



هدف از بعثت انبیاء(ع)/ محدودیت عقول بشری و هدایت تشریعی نبوی

کوتاهی فکر بشر و نارسایی عقل و دانش او در مسائل الهی و اخلاقی و اجتماعی سبب گردیده است که خداوند سفیرانی را برای راهنمایی او اعزام دارد تا نقصان هدایت تکوینی او را که از غریزه و عقل سرچشمه می‌گیرد با هدایت تشریعی پیامبران تکمیل نماید.

کوتاهی فکر بشر و نارسایی عقل و دانش او در مسائل الهی و اخلاقی و اجتماعی سبب گردیده است که خداوند سفیرانی را برای راهنمایی او اعزام دارد تا نقصان هدایت تکوینی او را که از غریزه و عقل سرچشمه می‌گیرد با هدایت تشریعی پیامبران تکمیل نماید.

پیامبران اهداف متعددی داشتند که به نظر می‌رسد هدایت مردم به سوی کمال و اقامه عدل و قسط در همه زمینه‌ها، از عالی‌ترین اهداف آنها باشد.

از عالی‌ترین اهداف بعثت پیامبر(ص) این بود که راه هدایت را به مردم نشان داده و آنها را به سوی کمال و سعادت حقیقی سوق دهد. انسانها بدون انبیاء و وحی، نمی‌توانند راه سعادت را پیدا کنند، زیرا شناخت‌های عادی و متعارف انسانها که از همکاری حس و عقل، به دست می‌آید هر چند نقش مهمی را در تأمین نیازمندیهای زندگی، ایفاء می‌کند اما برای باز شناختن راه کمال و سعادت حقیقی در همه ابعاد فردی و اجتماعی، و مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی، کافی نیست و اگر راه دیگری برای رفع این کمبودها وجود نداشته باشد هدف الهی از آفرینش انسان، تحقق نخواهد یافت.

بنابراین مقتضای حکمت الهی این است که راه دیگری و راهی حس و عقل برای شناختن مسیر تکامل همه جانبه، در اختیار بشر، قرار دهد تا انسانها بتوانند مستقیماً یا با وساطت فرد یا افراد دیگری از آن، بهره‌مند شوند. و آن همان راه وحی است که در اختیار انبیاء(ع) قرار داده شده و ایشان بطور مستقیم و دیگران بوسیله ایشان از آن بهره‌مند می‌شوند و آنچه را برای رسیدن به سعادت و کمال نهائی لازم است فرا می‌گیرند. (ر.ک: آیت الله مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص 178)

از دیگر اهداف عالی پیامبر(صلی الله علیه و آله) اقامه عدل و قسط است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلُهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ: ما پیامبران خود را با دلایل روشن (برای هدایت مردم) فرستادیم و همراه آنان میزان (مقیاس سنجش حق و باطل) نازل کردیم تا مردم اصول عدالت را به پا دارند، و آهن را آفریدیم، که در آن قدرت بزرگ و منافع برای مردم هست و اینها برای این است که آنها را که خداوند و پیامبران او را نادیده یاری می‌کنند مشخص سازیم. خدا توانا و با قدرت است» (الحديد/آیه 25)

آیا هدف از بعثت آنها فقط این بود که مردم را به خداپرستی دعوت کنند و بت پرستی را بکوبند یا هدف این بود که در هر عصری به بربریت و جاهلیت خاتمه دهند و تمدن صحیح انسانی به وجود آورند و یا مردم را به یک سلسله اصول اخلاقی و مقررات اجتماعی آشنا سازند تا مردم روابط زندگی خود را روی آن اصول استوار نمایند؟ در پاسخ این سؤالات باید گفت پیامبران برای یک هدف جامع تر و کلی تر از آن چه گفته شد برانگیخته شده اند و هرکدام از اهداف نامبرده، جزئی از آن هدف وسیع و کلی اند و این هدف کلی و وسیع، همان برقراری عدل و تعادل در تمام شؤون فردی و اجتماعی زندگی بشر است و این هدف به یک معنا زیربنای تمام اهداف دیگر و درخت تناوری است که بقیه، شاخه‌هایی از آن هستند و همگی از این نقطه سرچشمه می‌گیرند و به یک معنا، جامع میان همه آنهاست و انحراف از خداپرستی و یا انحراف از تمدن صحیح انسانی و اصول اخلاقی و مقررات اجتماعی، همگی انحراف از اعتدال و اقامه عدل و داد می‌باشد.

در آیه مورد بحث، این هدف وسیع با الفاظ (اقامه قسط) بیان شده است و (قسط) به معنای تقسیم و تقسیط و پخش می‌باشد؛ یعنی هرچیزی را در جای خود به کار بردن و هر شیء را در محل شایسته خود قرار دادن، چنان که از مدت‌ها پیش عدل را نیز به همین معنا تفسیر کرده اند و گفته اند: «العدل یضع الأشياء موضعها؛ عدالت این است که هر چیزی در جای خود قرار بگیرد و نظمی که شایسته هر موجودی است به وجود آید». بنابر این هدف پیامبران تنها عدالت در دستگاه دادگستری و محاکم قضائی نیست، بلکه عدالت در دادگستری و بررسی پرونده‌های حقوقی و جزائی یکی از شاخه‌های عدل اجتماعی است.

هدف پیامبران این است که عدالت در تمام شؤون زندگی مراعات شود: عدالت در محیط تعلیم و تربیت، در محیط دادگستری، در محیط کسب و کار، در روابط زناشویی و در کلیه امور فردی و اجتماعی، حتی در امور روحی و روانی و مسائل مربوط به عبادت و پرستش و در آن چه بشر در زندگی خود با آن روبه‌رو است، مثلاً اینکه پیامبران به خداپرستی دعوت و با بت پرستی مبارزه نموده اند از این جهت است که خداپرستی یکی از شاخه‌های عدالت و بت پرستی، انحراف از جاده عدالت و مصداق ظلم و ستم به ساحت مقدس کبریایی است؛ زیرا پرستش، حق مسلم و انحصاری اوست و سلب این حق مسلم از وی و پرستش مصنوعات او، عملاً انحراف از اصل عدالت به شمار می‌رود و لذا می‌فرماید: «... إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ: شرك و دوگانگی ستمی بزرگ است». (لقمان، آیه 13)

چند نمونه از آیات را که اهداف متعدد پیامبران را ذکر کرده است؛ نقل می‌کنیم که مطالعه آنها نیز می‌تواند مفید باشد.

- 1- تعلیم و تزکیه مردم: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (جمعه/2)
 - 2- ایجاد قسط و عدل: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حديد/25)
 - 3- آزادی انسان‌ها از قید اسارت: وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (اعراف/157)
 - 4- رفع اختلافات مردم: كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ (بقره/213)
 - 5- تشویق و تهدید انسان‌ها: وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ (انعام/48)
- به طور کلی می‌توان اهداف بعثت انبیاء(ع) را به کارهای زیر دسته بندی کرد:

1- تثبیت و تکمیل توحید

2- رفع اختلاف‌ها

3- فصل خصومت‌ها

4- اجرای قسط در جامعه بشری

5- تزکیه و تعدیل غرایز

6- تعلیم کتاب و حکمت

7- اتمام حجت بر بندگان

یکی از اهداف پیامبران و یا به تعبیر دیگر یکی از علل بعثت آنان همان موضوع تعلیم بشر و تکمیل عقل و دانش ناقص اوست و این حقیقت به عبارتهای مختلف در قرآن و احادیث وارد شده است. به طور مثال قرآن کریم رمز بعثت پیامبران را رفع اختلاف در میان بشر می‌داند، و می‌فرماید: «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره/213) خداوند پیامبران را که بشارت دهنده و بیم دهنده هستند برانگیخت و با آنان کتاب نازل نمود، تا در میان مردم درباره مسائلی که در آن اختلاف دارند، داوری کند.

ناگفته پیداست، اختلاف نظر حاکی از نارسایی فکر و کوتاهی دانش می‌باشد، و پیامبران در پرتو وحی (کتاب) حقیقت هر موضوعی را که مردم پیرامون آن اختلاف دارند، روشن می‌سازند. پیامبر عالیقدر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم ضمن روایتی تصریح می‌کند که هدف از بعثت، تکمیل عقول بشر است و از این جهت است که باید عقل و دانش هر پیامبری، از عقل و دانش امت وی بالاتر و برتر باشد: «و لا بعث الله نبیا و لا رسولا حتی یستكمل العقل و یكون عقله أفضل من عقول امته» (اصول کافی، باب عقل چاپ سنگی/7)

خداوند هیچ پیامبر و رسولی را برنیا نگیخت، جز اینکه خردها را تکمیل نماید و از این نظر باید عقل او بالاتر از عقول امت وی باشد. امیرمؤمنان (ع) نیز فلسفه بعثت پیامبر اسلام(ص) را چنین تشریح می‌فرماید: «إلى أن بعث الله سبحانه محمدا رسول الله لا نجاز عدته و اتمام نبوته ... و أهل الأرض يومئذ ملل متفرقة و أهواء منتشرة و طوائف متشتتة بین مشبه لله بخلقه أو ملحد فی إسمه أو مشیر إلى غیره فهداهم به من الضلالة» (نهج البلاغه خطبه 1)

خداوند محمد(ص) پیامبر خود را برانگیخت تا وعده خود را انجام دهد و نبوت را به او خاتمه دهد و مردم جهان در آن روز دارای مذهبهای گوناگون، انحرافات زیاد و گروههای پراکنده بودند: گروهی خدا را به مخلوق وی تشبیه می‌کردند (برای او جسم و مکان معتقد بودند) و برخی در نامهای وی تصرف می‌نمودند، و گروهی به غیر خدا اشاره می‌کردند (و طبیعت را مؤثر واقعی می‌دانستند) پس پیامبر آنان را از گمراهی به شاهراه توحید هدایت نمود.

خلاصه بیان فوق این است که قصور و کوتاهی فکر بشر در مسائل خداشناسی و آنچه که مربوط به مبدأ و معاد است، سبب گردید که خداوند پیامبر اسلام(ص) را برای هدایت ملل جهان برانگیخت تا آنان را از چنگال تشبیه خداوند به مخلوق و تصرف در نامهای مقدس وی و گرایش به استقلال طبیعت نجات بخشد.

امام رضا(ع) فلسفه بعثت پیامبران را چنین بیان می‌فرماید: از آنجا که قوای فکری بشر قادر به درک مصالح و منافع و مضار

نیست و خداوند نیز بالاتر از آن است که خود شخصا بر بشر تجلی نماید و با آنان سخن بگوید، از این جهت معصومی از بندگان خود را اعزام نمود تا اوامر و نواهی او را به بندگان برساند و آنان را بر مصالح و مفاسد امور آگاه سازد، زیرا فکر بشر کوتاهتر از آن است که شخصا بر این امور آگاه گردد. (بحارالأنوار، 40/11).

از مجموع این بیانات که از قرآن و عترت نقل کردیم روشن گردید که کوتاهی فکر بشر و نارسایی عقل و دانش او در مسائل الهی و اخلاقی و اجتماعی سبب گردیده است که خداوند، سفیرانی را برای راهنمایی او اعزام دارد تا نقصان هدایت تکوینی او را، که از غریزه و عقل سرچشمه می‌گیرد، با هدایت تشریعی پیامبران تکمیل نماید.

علی(ع) هدف از رسالت انبیاء(ع) را دو چیز می‌داند: 1- مسایل عقل نظری که انسانها را در بخش‌های علمی و اعتقادی راهنمایی کنند: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرِ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَائَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَتَسَى نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يُثْبِتُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (نهج البلاغه، خطبه 1، بند 36)؛ خدا انبیا و رسل خودش را پی در پی برانگیخت و به سوی بندگان خود فرستاد تا آن ميثاق فطری را مطالبه کنند و نعمتهای به فراموشی سپرده شده را به یادشان آورند و با رساندن دستورات و احکام و راهنمایی‌های او، حجت را بر آنها تمام کنند و گنجینه‌های ناپیدای عقل‌ها را آشکار و نمایان سازند.

2- مسائل عقل عملی از قبیل اراده، نیت، اخلاص، پرستش و مانند آن. مأموریت انبیای الهی(ع) در بخش عملی این است که مردم را از عبادت بتها برهانند و به عبادت خدا برسانند: «لِيُخْرِجَ عِبَادَةَ مِنَ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ وَ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ» (نهج البلاغه، خطبه 147) خدا پیغمبر اکرم(ص) را برانگیخت ... تا بندگان او را از عبادت بتها برهاند و به عبادت خدا رهنمون گردد و از قید اطاعت شیطان بیرون آورده و به اطاعت خدا راهنمایی کند.

دلایل فرستادن پیامبر گرامی اسلام اساساً همه انبیاء بسیار است و از جمله مهمترین این عوامل تعلیم و تربیت میباشد که در آیه 2 سوره جمعه بدان اشاره شده است. پیامبر گرامی اسلام(ص) مانند آموزگاری دلسوز به میان مردم آمد تا آنها را راهنمایی و ارشاد کند و اخلاق نیکو به آنها بیاموزد و آنها را از اسارت جهل و نادانی و گمراهی برهاند. خدای متعال در آیه یاد شده می‌فرماید: "... خدا رسولش را فرستاد تا آیاتش را بر آنها مردم بخواند و آنها را پاکیزه کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند." (نیز بنگرید: اعراف، 157 و ابراهیم، 1 و...)

از دیگر عوامل فرستاده شدن انبیای خدا، بر پا داشتن قسط و عدل، و قضاوت و داوری برای از بین بردن اختلافات مردم است. (ر.ک: حدیث، 25 و بقره، 213). خدای متعال پیامبرانش را فرستاد تا حجت را بر مردم تمام کنند؛ یعنی مردم نتوانند اعتراض کنند که چرا خدا راهنمایی را نفرستاد تا خوب و بد و درست و نادرست را به ما نشان داده و ما را از جهنم بیم و بهشت بشارت دهد. (نساء، 165 و انعام، 48) (برای آگاهی بیشتر از عوامل ارسال انبیاء(ع) ر.ک: پیام قرآن، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج 27، ص 13 - 53، مدرسه الامام امیرالمؤمنین).